

بررسی اثر مصرف انرژی‌های تجدیدپذیر و تجدیدناپذیر بر رفاه اجتماعی کشورهای آسیایی در حال توسعه: رویکرد رگرسیون کوانتایل

سجاد فرجی دیزجی

دانشیار دانشکده اقتصاد و مدیریت دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

s_dizaji@modares.ac.ir

سحر قاسمی

کارشناس ارشد دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

sahar_ghasemi@modares.ac.ir

علی سرگلزاری (نویسنده مسئول)

کارشناس ارشد علوم اقتصادی، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران

ali.sargolzae@mail.um.ac.ir

حامل‌های انرژی به عنوان یکی از عوامل تولید در کنار نیروی کار و سرمایه نقش مهمی در توسعه و رفاه اجتماعی دارد. با توجه به آلاندگی منابع تجدیدناپذیر و تأثیر سوء آن بر رفاه، استفاده از منابع تجدیدپذیر می‌تواند با حذف آلاندگی زمینه‌ساز بپیوود رفاه اجتماعی باشد. در این پژوهش، اثر مصرف انرژی‌های تجدیدپذیر و تجدیدناپذیر بر رفاه اجتماعی کشورهای آسیایی درحال توسعه در دوره زمانی ۲۰۰۷-۲۰۱۸ با استفاده از رویکرد پانل کوانتایل موردن بررسی قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که مصرف انرژی‌های تجدیدپذیر و تجدیدناپذیر باعث افزایش رفاه شده و اثر مثبت و معناداری بر رفاه دارد اگرچه ضریب تأثیر مصرف انرژی‌های تجدیدپذیر بسیار بزرگ‌تر از ضریب تأثیر مصرف انرژی‌های تجدیدناپذیر است. بعلاوه ضریب تأثیر مصرف انرژی‌های تجدیدپذیر در دهک‌های ابتدایی شاخص رفاه بیشتر از دهک‌های انتهایی آن است. همچنین اثر سایر متغیرها از جمله شاخص عملکرد محیط‌زیست، نرخ اشتغال، تشکیل سرمایه ناچالص بر رفاه مثبت و معنادار و اثر آلاندگی‌های CO₂ بر رفاه منفی و معنادار است.

طبقه‌بندی JEL: Q42, C22, O44, I38, P36

واژگان کلیدی: انرژی تجدیدپذیر، انرژی تجدیدناپذیر، آلاندگی‌های CO₂، شاخص رفاه لگاتوم، پانل کوانتایل

۱. مقدمه

بخش انرژی زیربنای اساسی فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی هر کشوری به شمار می‌رود. انرژی در دنیای امروز نقش حیاتی و انکارنایپذیری داشته و در پیشرفت و توسعه پایدار جهانی بسیار تأثیرگذار است. از طرفی انرژی در رشد و توسعه اقتصادی، رفاه اجتماعی، بهبود کیفیت زندگی و امنیت جوامع نقش مهمی ایفا می‌کند. درواقع بشر به منظور تولید کالا و خدمات در نتیجه دستیابی به رفاه بیشتر نیاز به انرژی دارد که این نیاز از ابتدا با مصرف سوخت‌های فسیلی تامین شده است. سوخت‌های فسیلی و روند بهره‌برداری و مصرف آن در سده اخیر زمینه‌ساز بروز چالش‌ها و نگرانی‌های جدی در حیطه مسائل مربوط به انرژی و محیط‌زیست شده است به طوری که استفاده از منابع انرژی تجدیدناپذیر در بلندمدت با توجه به زیان‌های رفاهی ناشی از آلایندگی آن و همین‌طور بحث مربوط به پیامدهای خارجی، رفاه اجتماعی را به صورت منفی تحت تأثیر قرار داده است (فطرس و همکاران، ۱۳۹۱).

بر اساس گزارش برنامه محیط‌زیست سازمان ملل متحد، میزان انتشارات CO₂ ناشی از احتراق سوخت‌های فسیلی بیش از ۶۵ درصد از انتشار گازهای گلخانه‌ای جهانی را تشکیل می‌دهد (برنامه محیط‌زیست سازمان ملل متحد، ۲۰۱۹). با این وجود، علی‌رغم افزایش قابل توجه تأسیسات فناوری انرژی تجدیدپذیر در سراسر جهان طی پنج دهه گذشته، هنوز هم آن‌ها تنها حدود ۱۰ درصد از کل تقاضای انرژی جهان را پوشش می‌دهند (حساب و همکاران، ۲۰۱۹؛ بنابراین، جهان هنوز تا حد زیادی به منابع غیر تجدیدپذیر (به عنوان مثال، نفت، زغال‌سنگ، گاز طبیعی و غیره) وابسته است که منجر به افزایش ردپای کربن جهانی و تغییرات آب‌وهوا می‌شود (داسانایکا و همکاران، ۲۰۲۲).

1. United Nations Environment Programme
2. Haseeb et al.

در طول چند دهه گذشته، تغییرات آب‌وهای جدی‌ترین و چالش‌برانگیزترین موضوع زیست‌محیطی در سراسر جهان بوده است، چراکه اثرات اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی مختلفی داشته است. با روند فراینده جهانی شدن، توسعه اقتصادی و رشد جمعیت، انتشار دی‌اکسید کربن (CO₂) نیز به طور مداوم افزایش یافته است و این افزایش مداوم سطح آلایندگی‌های CO₂ علت اصلی تغییرات آب‌وهای گرم شدن کره زمین است (رحمان و علم، ۲۰۲۲). ازین‌رو، این موضوع توجه محققان، سازمان‌های بین‌المللی و سیاست‌گذاران را به خود جلب کرده است (رحمان، ۲۰۱۷؛ آچامپونگ، ۲۰۱۸؛ حیدری و همکاران، ۲۰۱۵). بر اساس آمار BP، انتشار جهانی CO₂ از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۹ ۱/۴ درصد رشد کرده است که هشداری جدی برای وضعیت زندگی در زمین است (BP، ۲۰۲۱). با این وجود، مسئله این است که اگرچه CO₂ پیامدهای منفی دارد، اما مستقیماً با رشد اقتصادی و مصرف انرژی مرتبط است (رحمان، ۲۰۱۷؛ حسین، ۲۰۱۲). ازین‌رو، محققان و سیاست‌گذاران نظرات متفاوتی در رابطه با مقابله با انتشار CO₂ دارند.

دیدگاه کلی این است که صرف نظر از سطح توسعه، هر کشوری می‌تواند تلاش کند تا انتشار CO₂ را به عنوان راهی برای بهبود کیفیت زیست‌محیطی، کاهش دهد. از آنجایی که مصرف سوخت‌های فسیلی انتشار CO₂ را افزایش می‌دهد، با کاهش مصرف انرژی می‌توان انتشار آلایندگی‌های CO₂ را کاهش داد (لمب و همکاران، ۲۰۱۴؛ رحمان، ۲۰۱۷؛ آچامپونگ، ۲۰۱۸). در مقابل، استدلال می‌شود که کاهش انتشار CO₂ دارای هزینه‌های کلان اقتصادی است (آچامپونگ، ۲۰۱۸؛ فن و همکاران، ۲۰۱۰) و اجرای سریع سیاست‌های کاهش انتشار با کاهش مصرف انرژی بر رشد اقتصادی تأثیر منفی می‌گذارد، زیرا انرژی یک عامل حیاتی در فرایند تولید است (نائین و همکاران، ۲۰۱۷؛ احمد و همکاران، ۲۰۱۷؛ امری و همکاران، ۲۰۱۴؛ سادورسکی، ۲۰۱۱؛ ۲۰۱۲). بسیاری از مطالعات گذشته؛ مانند شهباز و همکاران (۲۰۱۳)، اندرسون و کارپستان (۲۰۱۲)، وانگ و همکاران (۲۰۱۱)، نارایان و اسمیت (۲۰۰۸)، از این استدلال حمایت کردند، به این معنی که اگر فناوری‌های کم‌کربن به درستی توسعه نیافته باشند آنگاه کاهش انتشار CO₂ به تنهایی نتیجه مثبتی برای رشد اقتصادی پایدار نخواهد داشت (رحمان، ۲۰۱۷).

از طرفی، محیط‌زیست از جمله مؤلفه‌های مهم در تعیین رفاه کشورهاست. باید توجه داشت که هزینه‌های ناشی از تخریب محیط‌زیست تنها به هزینه‌های فیزیکی آن ختم نمی‌شود، تخریب محیط‌زیست تأثیرات روان‌شناختی قابل توجهی هم بر افراد دارد. این تأثیرات به واسطه تأثیر بر رفاه و نیز شاخص‌های توسعه و پیشرفت جوامع بسیار حائز اهمیت است (حسابی و همکاران، ۱۳۹۷). بنابراین، مصرف انرژی‌های تجدیدپذیر در ازای انرژی‌های تجدیدناپذیر امری ضروری است؛ زیرا انرژی‌های تجدیدپذیر آلایندگی‌های زیست‌محیطی از جمله CO₂ را به وجود نمی‌آورند که این باعث افزایش رفاه اجتماعی، افزایش امید به زندگی و کاهش هزینه‌های بهداشتی می‌شود (شافعی و سلیم^۱، ۲۰۱۴). همچنین، انرژی‌های تجدیدپذیر برخلاف انرژی‌های تجدیدناپذیر جزو منابع محدود نیستند.

انرژی‌های تجدیدپذیر، اساساً با طبیعت سازگار بوده و آلودگی ندارند و همچنین پایانی برای آن‌ها وجود ندارد و بنابراین می‌تواند اهمیت ویژه‌ای در مقوله توسعه پایدار داشته باشد. ویژگی‌های دیگر این منابع و همچنین پراکندگی و گستردگی آن‌ها در تمام جهان، انرژی‌های تجدیدپذیر را به ویژه برای کشورهای در حال توسعه از جاذبه بیشتری برخوردار کرده است. از دیگر مزایای کاربرد انرژی‌های تجدیدپذیر می‌توان به افزایش رشد اقتصادی، افزایش اشتغال، محافظت از محیط‌زیست، به وجود آمدن عدالت اجتماعی، بهبود وضعیت درآمد سرانه، جلوگیری و کنترل گرمایی کره زمین اشاره کرد (موسی‌شفائی و همکاران، ۱۳۹۵). انرژی تجدیدپذیر دسترسی به غذا و آب را افزایش می‌دهد، اشتغال ایجاد می‌کند، سلامتی را افزایش می‌دهد و منجر به افزایش رفاه می‌شود (ایرنا^۲، ۲۰۱۵). بر اساس برنامه توسعه سازمان ملل^۳، انرژی‌های تجدیدپذیر به طور مثبتی به عوامل تعیین‌کننده توسعه انسانی، از جمله آموزش، بهداشت، گرسنگی، فقر، برابری جنسیتی و پایداری محیط‌زیست کمک می‌کند (برنامه توسعه ملل، ۲۰۰۷).

1. Shafiei & Salim

2. IRENA

3. United Nations Development Programme

امروزه اکثر کشورهای جهان، حرکت خود را در جهت استفاده هر چه بیشتر از منابع انرژی تجدیدپذیر سوق داده‌اند و هدف نهایی جمیع جهانی، طراحی آینده‌ای از انرژی بر پایه ۱۰۰٪ انرژی‌های تجدیدپذیر و پایان دادن به همه منابع تجدیدناپذیر تا سال ۲۰۵۰ است (عقیل و بات^۱، ۲۰۰۱). به عنوان مثال در کشورهای حوزه آمریکای جنوبی، رودخانه آمازون همراه با سایر منابع آبی تا ۸۰درصد از تولید انرژی کشورهای آمریکای جنوبی را تشکیل می‌دهد (Dasanayaka و همکاران^۲، ۲۰۲۲). همچنین سد سه دره در چین، بزرگ‌ترین نیروگاه برق‌آبی جهان با ظرفیت تولید عظیم تا ۲۲۵۰۰ مگاوات است (Teknolojî Nüro^۳، ۲۰۱۳)، اما سهم مصرف انرژی‌های تجدیدپذیر در سبد مصرف انرژی کشورهای درحال توسعه ناچیز است.

بر اساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی، در کشور چین در سال ۲۰۱۸، سهم انرژی‌های تجدیدپذیر از کل عرضه انرژی ۸ درصد و مابقی مربوط به انرژی‌های فسیلی بوده است که از این مقدار حدود ۶۲ درصد را زغال‌سنگ و ۲۷ را نفت و گاز شامل می‌شد. این در حالی است که در همین دوره در کشور هند ۲۲ درصد عرضه انرژی مربوط به انرژی‌های تجدیدپذیر و ۷۸ درصد مابقی مربوط به انرژی‌های تجدیدناپذیر بوده است. در کشورهایی همچون ایران، عراق، کویت، عمان، قطر، امارات متحده عربی و عربستان میزان عرضه انرژی‌های تجدیدپذیر زیر ۴ درصد بوده و سهم عرضه انرژی‌های تجدیدناپذیر با توجه به حجم بالای منابع و مخازن سوخت‌های فسیلی در این کشورها، بسیار هنگفت هست (آژانس بین‌المللی انرژی تجدیدپذیر، ۲۰۲۲).

در پژوهش حاضر، تلاش شده است تا اثرات مصرف انرژی تجدیدپذیر و تجدیدناپذیر بر رفاه کشورهای درحال توسعه آسیایی مورد بحث قرار بگیرد. دلایل انتخاب کشورهای آسیایی عبارت اند از: (۱) سهم انتشار CO₂ این منطقه در سال ۲۰۲۰ ۵۲/۴ درصد است که در مقایسه با سایر مناطق جهان مانند آمریکای شمالی (۱۶/۶٪)، اروپا (۱۱/۲٪)، آفریقا (۳/۷٪) بالاترین میزان را به خود اختصاص داده است (BP، ۲۰۲۱)؛ (۲) نرخ رشد سالانه انتشار CO₂ برای این منطقه،

1. Aqeel and Butt

2. Dasanayaka et al.

3. Power Technology

بالاترین مقدار (۲/۷٪) است در حالی که نرخ رشد سالانه انتشار CO₂ برای آمریکای شمالی ۰/۴٪، برای اروپا ۱/۱٪، و ۲٪ برای آفریقاست (BP، ۲۰۲۱). (۳) سهم استفاده از انرژی در منطقه آسیا نیز در مقایسه با سایر مناطق بالاترین مقدار در جهان را دارا است. این منطقه ۴۵/۵ درصد از مصرف انرژی جهان را در سال ۲۰۲۰ در مقابل سهم مصرف آمریکای شمالی (۱۹/۴ درصد)، اروپا (۱۳/۹ درصد)، آفریقا (۳/۳ درصد) و سایر مناطق (۶/۵ درصد) استفاده کرده است (BP، ۲۰۲۱). (۴) نرخ رشد سالانه مصرف انرژی در سال ۲۰۲۰ در این منطقه نیز بالاترین (۳/۳٪) در مقایسه با آمریکای شمالی (۰/۰۶٪)، اروپا (۰/۰۲٪)، آفریقا (۰/۲٪) و سایر مناطق (۰/۳٪) است (BP، ۲۰۲۱). (۵) این منطقه نسبت به سایر مناطق، بالاترین نرخ رشد تولید ناخالص داخلی را تجربه کرد که در سال ۲۰۱۷، (۵/۸٪) درصد بود (UN، ۲۰۱۸).

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت مصرف انرژی‌های تجدیدناپذیر با آلایندگی‌ها همراه هستند و در نهایت منجر به تولید ناخالص داخلی بالاتر می‌شوند؛ اما میزان آلایندگی‌ها می‌تواند بر رفاه و کیفیت زندگی مردم اثر گذار باشد. با توجه به این که یکی از پارامترهای شاخص رفاه لگاتوم کیفیت محیط‌زیست است لذا مصرف انرژی تجدیدناپذیر می‌تواند در این شاخص اثر گذار باشد. مطالعات مختلفی به بررسی تأثیر مصرف انواع انرژی بر رشد اقتصادی و متعاقباً رفاه اجتماعی پرداخته‌اند (ایوانوسکی و همکاران^۱، ۲۰۲۱؛ شهbaz و همکاران^۲، ۲۰۲۰؛ آسیف و همکاران^۳، ۲۰۲۱؛ تقوایی و همکاران^۴، ۲۰۱۷؛ فطرس و همکاران، ۱۳۹۱؛ شیرزور و صمدی، ۱۳۹۸؛ واصلی خباز و همکاران، ۱۳۹۲؛ نورانی و همکاران، ۱۴۰۱؛ ایلخانی و همکاران، ۱۳۹۵). نقطه تمایز پژوهش حاضر با سایر مطالعات، استفاده از شاخص رفاه لگاتوم است. شاخص رفاه لگاتوم یک شاخص جامع است که رفاه را از ابعاد اجتماعی و اقتصادی مورد ارزیابی قرار می‌دهد. بعلاوه استفاده از متغیر شاخص عملکرد محیط‌زیست در کنار سایر متغیرها همچون مصرف انرژی تجدیدپذیر و تجدیدناپذیر جنبه

-
1. Ivanovski et al.
 2. Shahbaz et al.
 3. Asif et al.
 4. Taghvaei et al.

نوآوری پژوهش حاضر است. همچنین در این پژوهش از روش تحلیل مؤلفه اساسی بهمنظور بهدست آوردن شاخص رفاه لگاتوم و شاخص عملکرد محیطزیست استفاده شده است که امکان بهدست آوردن شاخص دقیق‌تری را فراهم می‌کند. از طرفی رگرسیون کوانتایل^۱ امکان تخمین دقیق‌تر را فراهم می‌کند؛ چراکه به داده‌های پرت و دورافتاده حساس نیست. رگرسیون کوانتایل این امکان را فراهم می‌کند که برازش مدل نه تنها در مرکز ثقل داده‌ها بلکه در کل توزیع انجام شود. براین‌اساس، امکان تخمین مدل در دهک‌های مختلف فراهم می‌شود.

جامعه آماری این تحقیق، منتخبی از کشورهای آسیایی در حال توسعه است.^۲ با توجه به این که اقتصاد کشورهای آسیایی در حال توسعه، مجموعه‌ای پویا و متنوع از کشورها را شامل می‌شوند و این کشورها طیف گسترده‌ای از الگوهای مصرف انرژی و رشد اقتصادی و متعاقباً رفاه اجتماعی نشان می‌دهند؛ لذا مطالعه این جامعه آماری بینش مفید و فرامنطقه‌ای را برای سیاست‌گذاران ارائه می‌دهد. از بین این کشورها، کشورهایی که داده‌هایشان در دسترس است شامل چین، هنگ‌کنگ، اندونزی، مالزی، فیلیپین، جمهوری کره، سنگاپور، تایلند، ویتنام، بنگلادش، هند، ایران، پاکستان، سریلانکا، عراق، اسرائیل، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی، ترکیه، امارات متحده عربی به عنوان نمونه مورد مطالعه انتخاب شده‌اند. همچنین، دوره زمانی این پژوهش، سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۸ را در بر می‌گیرد و برای تجزیه و تحلیل از روش اقتصادسنجی پانل کوانتایل استفاده شده است. در پژوهش حاضر، پس از بیان مقدمه، به ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق پرداخته خواهد شد و سپس روش تحقیق مورد بحث قرار خواهد گرفت. در ادامه نتایج پژوهش بیان شده و درنهایت در بخش پایانی، بحث و نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادهای سیاستی ارائه می‌شود.

1. Quantile

۲. کشورهای مورد مطالعه در این پژوهش مطابق با گزارش سازمان ملل (۲۰۲۰) جزء کشورهای در حال توسعه آسیایی محسوب می‌شوند.

۲. ادبیات موضوع

۱-۲. چارچوب نظری رفاه

رفاه اجتماعی تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله: نابرابری درآمد، نرخ بیکاری، نرخ تورم، جهت‌گیری سیاست‌های کلان اقتصادی، ترکیب هزینه‌های دولت، آموزش، شاخص آزادی اقتصادی، اندازه دولت، قدرت رقابت‌پذیری کشور، موقعیت جغرافیایی، تغییر در فناوری، بازدهی سرمایه و... است (شاه‌آبدی و ارغند، ۱۳۹۷). یکی دیگر از عوامل مهم و تعیین‌کننده رفاه، انرژی است. انرژی به عنوان یکی از نهادهای تولید نقش مهمی در رشد و توسعه اقتصادی کشورها ایفا می‌کند. این تأثیرگذاری به گونه‌ای است که بانک جهانی در گزارش سال ۲۰۰۱ یک راه مقابله با فقر و دستیابی به رشد بالاتر را، مصرف انرژی و دسترسی بیشتر به انرژی می‌داند (فطروس و ترکمنی، ۱۳۹۳).

در اکثر مطالعات گذشته، برای اندازه‌گیری رفاه اقتصادی از تولید ناخالص داخلی سرانه (فارغ از در نظر گرفتن اوقات فراغت، طول عمر، میزان دارایی، نابرابری درآمد) استفاده می‌کردند. اما تولید ناخالص داخلی یا رشد اقتصادی تنها یک بعد از رفاه است (Sharpe¹، ۱۹۹۹). در تحلیل تئوری‌های رشد، علاوه بر دو نهاده نیروی کار و سرمایه، نهاده انرژی نیز به مدل‌های رشد اضافه شده است، اما با این وجود، دیدگاه اقتصاددانان در ارتباط با نقش و اهمیت حضور این نهاده در فرایند تولید متفاوت است. از دیدگاه مکاتب مختلف اقتصادی، عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی که در توابع رشد در نظر گرفته می‌شوند، عبارت‌اند از سرمایه و نیروی کار (اعم از متخصص و غیرمتخصص). در الگوهای جدید رشد، عامل انرژی نیز وارد شده است، ولی اهمیت آن در مدل‌های مختلف یکسان نیست (ایلخانی و همکاران، ۱۳۹۵). به عنوان مثال، Bernt و Wood² در مطالعه‌ای که در سال ۱۹۷۵ انجام دادند، استدلال کردند که در تابع تولید کل، انرژی یک عامل

1. Sharpe

2. Berndt and Wood

تولید است که ارتباط جدایی‌پذیر و ضعیفی با نیروی کار دارد، تابع تولید پیشنهادی آن‌ها عبارت است از:

$$Q = [G(K, E), L] \quad (1)$$

که در آن، Q بیانگر تولید، K سرمایه، E انرژی و L نیروی کار است. آن‌ها بیان می‌کنند انرژی پس از ترکیب با سرمایه به عنوان نهاده G و به همراه نیروی کار در فرایند تولید به کار می‌رود به طوری که انرژی به عنوان نهاده واسطه‌ای و به منظور به کار گیری سرمایه در فرایند تولید مورد استفاده قرار می‌گیرد که با افزایش بهره‌وری در سرمایه و رشد تکنولوژی نیاز به نهاده انرژی کاهش می‌یابد؛ بنابراین، انرژی رابطه ضعیف و تفکیک‌پذیری با نیروی کار دارد و به عنوان یک عامل مؤثر و ضروری در رشد اقتصادی مطرح نمی‌گردد. از این‌رو، از دیدگاه نئوکلاسیک‌ها انرژی عامل محرك رشد اقتصادی نمی‌باشد، بلکه رشد اقتصادی میزان تقاضا و مصرف انرژی را تعیین می‌کند (ایلخانی و همکاران، ۱۳۹۵).

از سوی دیگر، برخی دیگر از اقتصاددانان معتقدند انرژی در طبیعت مقدار ثابتی دارد، جبران‌پذیر بوده و قابل تبدیل به ماده است و از بین نمی‌رود؛ بنابراین، در مدل‌های بیوفیزیکی رشد که توسط آیرس و نایر^۱ (۱۹۸۴)، بیان شده است، تولید کالاهای اقتصادی نیازمند مصرف مقادیر فراوان انرژی در تولید است، لذا انرژی تنها عامل و مهم‌ترین عامل رشد است. نیروی کار و سرمایه نیز عوامل واسطه‌ای هستند که برای به کار گیری، به انرژی نیاز دارند (استرن^۲، ۱۹۹۳). به این ترتیب اگر تولید را تابعی از نهاده‌های سرمایه، کار و انرژی در نظر بگیریم، خواهیم داشت:

$$Q = f(K, L, E) \quad (2)$$

که در اینجا، Q بیانگر محصول ناخالص داخلی، K نهاده سرمایه، L نهاده نیروی کار و E نهاده انرژی است.

در گذشته، مصرف انرژی بیشتر، باعث افزایش رفاه و توسعه می‌شد؛ ولی امروزه با تغییرات آب‌وهایی، محدودیت عرضه منابع انرژی، استفاده نامناسب از انرژی و مانند آن‌ها، این ارتباط تغییر

1. Ayras and nayer
2. Stern

کرده است. کشورهای توسعه‌یافته با مصرف انرژی سرانه کمتر، به توسعه اقتصادی بالاتری دست یافته‌اند. در حالی که در کشورهای در حال توسعه یک رابطه مستقیم بین مصرف انرژی و توسعه و رفاه وجود دارد. جنبه دیگر موضوع، دسترسی مردم به انرژی برق و خدمات مربوط به آن است. نقش انرژی الکتریسیته در توسعه اقتصادی از آنجهت است که علاوه بر افزایش بهره‌وری عوامل تولید، موجب بهبود سطح استانداردهای زندگی نیز خواهد شد (فرگوسن و همکاران^۱، ۲۰۰۰).

در زمینه بررسی تأثیر مصرف انواع انرژی‌های تجدیدپذیر و تجدیدناپذیر بر رفاه اقتصادی می‌توان بیان نمود که برخی از اقتصاددانان معتقدند که هر چقدر مصرف انرژی‌های تجدیدپذیر و تجدیدناپذیر در کشورها افزایش یابد هم‌زمان با آن رفاه اقتصادی نیز افزایش پیدا می‌کند. در این زمینه به مطالعات انجام شده توسط فانگ^۲ (۲۰۱۹)، گانی^۳ (۲۰۱۹) و عمری و بلاد^۴ (۲۰۲۱) می‌توان اشاره نمود. بر اساس این مطالعات، افزایش رفاه اقتصادی را می‌توان ناشی از مصرف انواع منابع انرژی‌های تجدیدپذیر و تجدیدناپذیر دانست.

اگرچه برخی دیگر از اقتصاددانان معتقدند که مصرف انرژی‌های تجدیدپذیر و تجدیدناپذیر به تنها بی منجر به افزایش رفاه اقتصادی نمی‌شود؛ بلکه به سایر عوامل اقتصادی همچون نوسانات نرخ ارز، تورم و همچنین میزان فقر و جمعیت هر کشور بستگی دارد و نمی‌توان به طور قطعی در این زمینه نتیجه‌گیری کرد. از جمله این مطالعات می‌توان به مطالعه عجم اوغلو و همکاران^۵ (۲۰۰۶)، ادنهوفر و همکاران (۲۰۱۱)، دروزینینا و همکاران^۶ (۲۰۱۸) و قلیزاده و ولتر^۷ (۲۰۲۰) اشاره نمود.

1. Ferguson et al.

2. Fang

3. Güney

4. Omri and Belaïd

5. Acemoglu et al.

6. Druzhynina et al.

7. Gholizadeh and Wolter

۲-۲. ارتباط آلایندگی‌های زیست‌محیطی با رفاه

امروزه، دنیا با تغییرات خصمانه محیطی و شرایط آب‌وهوای در گیر شده است که تهدید بزرگی برای رفاه انسان‌ها در آینده است (حساب و همکاران، ۲۰۱۹). مطابق با گزارش هیئت بین‌دولتی تغییر اقلیم (IPCC)، انتشار CO₂ حاصل از احتراق سوخت‌های فسیلی و فرایندهای صنعت، درصد از کل افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای را در طول دوره ۱۹۷۰-۲۰۱۰ تشکیل می‌دهد (ادنهوفر^۱، ۲۰۱۵).

افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای ناشی از فعالیت‌های انسانی، منجر به برهم زدن تعادل آب‌وهوای جهانی و الگوهای آب‌وهوا می‌شود. گرم شدن کره زمین که یکی از پیامدهای انتشار گازهای گلخانه‌ای است، می‌تواند منجر به ذوب شدن یخچال‌های طبیعی شده و این امر باعث افزایش سطح آلودگی هوا/آب/زمین و اخیراً باعث همه‌گیری‌های جهانی می‌گردد. تغییرات آب‌وهوا باعث خشک‌سالی، بالا آمدن سطح دریاها و به مخاطره افتادن امنیت غذایی و سلامت انسان می‌شود؛ لذا افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای باعث می‌شود که رفاه انسان تحت تأثیر قرار گیرد (دادانیکا و همکاران، ۲۰۲۲).

اگرچه مطالعاتی که تأثیر انتشار دی‌اکسیدکربن را بر رفاه مورد بررسی قرار داده‌اند، نسبتاً نادر هستند، اما می‌توان به مطالعات ژرژسکو - روگن^۲ (۱۹۷۱) و میدوز و همکاران^۳ (۱۹۷۲) اشاره کرد که نشان می‌دهند که فعالیت‌های اقتصادی باعث انتشار CO₂ می‌شود. درنتیجه، این امر باعث تخریب محیط‌زیست و کاهش رفاه اجتماعی می‌گردد (فخری و همکاران^۴، ۲۰۱۵). همچنین، لامبین^۵ (۲۰۰۹) در مطالعه‌ای به ارتباط تعاملی بین رفاه و تخریب محیط‌زیست پرداخت و به این نتیجه رسید که مشکلات زیست‌محیطی می‌تواند رفاه اجتماعی را تهدید کند. دکلرک و

-
1. Edenhofer
 2. Georgescu-Roegen
 3. Meadows
 4. Fakhri et al.
 5. Lambin

همکاران^۱ (۲۰۱۱) نشان دادند که اگر شهرهای بزرگ اروپایی بتوانند آلودگی هوا را کاهش دهند، امید به زندگی تا ۲۲ ماه افزایش می‌یابد. همچنین چن و همکاران^۲ (۲۰۱۳) وجود همبستگی منفی بین طول عمر و تخریب محیط را نشان دادند به طوری که از سال ۱۹۵۰ و به دلیل آلودگی، امید به زندگی در شمال چین ۵ سال و نیم کاهش یافته است.

بر طبق گزارش برنامه محیط‌زیست سازمان ملل متحد^۳ در مورد آینده محیط‌زیست جهانی (محیط‌زیست برای توسعه)، آلودگی هوا بر رفاه تأثیر منفی می‌گذارد (برنامه محیط‌زیست سازمان ملل متحد، ۲۰۱۹). در این پژوهش به منظور سنجش رفاه از شاخص ترکیبی لگاتوم استفاده شده است. این مؤسسه، از متغیرهایی صحبت می‌کند که برای افزایش ثروت ملی هر کشوری به‌واسطه رشد اقتصادی پایدار، حائز اهمیت هستند. علاوه بر این، این مؤسسه تأکید بر رضایت زندگی می‌کند و آن را بسیار حائز اهمیت می‌داند (طاهری و حسین‌زاده، ۱۳۹۸).

شاخص رفاه لگاتوم، شاخص ترکیبی است که دستاوردهای کشورهای جهان را از نظر رفاه و شکوفایی اندازه‌گیری می‌کند و هرساله توسط مؤسسه لگاتوم منتشر می‌شود. این شاخص مبنی بر حوزه‌های ایمنی و امنیت، آزادی فردی، حکمرانی، سرمایه اجتماعی، محیط سرمایه‌گذاری، شرایط سازمانی، فرصت‌های کسب‌وکار، کیفیت اقتصاد، شرایط زندگی، سلامتی، آموزش و محیط‌زیست است (لگاتوم^۴، ۲۰۲۰).

۳-۲. مطالعات پیشین

عمری و بلاد (۲۰۲۱) به بررسی اثر انرژی‌های تجدیدپذیر بر رفاه اجتماعی - اقتصادی در ۳۱ کشور در حال گذار، طی بازه زمانی ۱۹۹۰-۲۰۱۵ و با استفاده از مدل گشتاورهای تعیین‌یافته پرداختند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد که انتشار آلاینده‌های CO₂ اثر منفی بدون قيد و شرط بر توسعه انسانی (رفاه اجتماعی - اقتصادی) و رشد اقتصادی دارد.

1. Declercq et al.

2. Chen et al.

3. UNEP

4. Legatum

رحمان و همکاران^۱ (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین مصرف انرژی‌های تجدیدپذیر و تجدیدناپذیر و رشد اقتصادی در پنج کشور جنوب آسیا با استفاده از تکنیک حداقل مربuat معمولی کاملاً اصلاح شده و حداقل مربuat معمولی پویا و طی دوره زمانی ۱۹۹۰-۲۰۱۴ پرداختند.

نتایج مطالعه آن‌ها، تأثیر مثبت مصرف انرژی‌های تجدیدپذیر و تجدیدناپذیر و تشکیل سرمایه ثابت را بر رشد اقتصادی داد. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که افزایش ۱ درصدی در مصرف انرژی تجدیدپذیر، مصرف انرژی تجدیدناپذیر و سرمایه، رشد اقتصادی را به ترتیب ۰/۶۶، ۰/۱۰ و ۰/۵۸ درصد افزایش می‌دهند همچنین از رشد اقتصادی تا مصرف انرژی تجدیدپذیر علیت یک‌طرفه وجود دارد.

حساب و همکاران (۲۰۱۹) نقش انرژی‌های تجدیدپذیر را در تأثیرگذاری بر رفاه اقتصادی در مالزی با استفاده از رویکرد خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی^۲ و داده‌های سالانه در طول سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۶ بررسی کردند. در این مطالعه از انرژی‌های تجدیدپذیر و رشد اقتصادی به عنوان یک عامل رفاه اقتصادی برای بررسی استفاده شده است. نتایج ارتباط طولانی‌مدت معتبر بین انرژی‌های تجدیدپذیر و رفاه اقتصادی در مالزی را تأیید می‌کند. علاوه بر این، نتایج نشان می‌دهد که انرژی تجدیدپذیر در کوتاه‌مدت و بلندمدت تأثیر معناداری بر رفاه اقتصادی دارند.

سووا و همکاران^۳ (۲۰۱۸) به بررسی رابطه علی رشد اقتصادی و مصرف انرژی تجدیدپذیر با استفاده از داده‌های ۲۸ کشور اتحادیه اروپا در بازه زمانی ۱۹۹۵-۲۰۱۵ با استفاده از تکنیک حداقل مربuat اصلاح شده^۴ پرداختند. نتایج نشان داد که مصرف انرژی تجدیدپذیر تأثیر مثبتی بر روی رشد اقتصادی دارد. این نتایج تصمیمات سیاسی اتحادیه اروپا در مورد ضرورت افزایش مصرف انرژی تجدیدپذیر را توجیه می‌کند و ثابت می‌کند که این نوع مصرف انرژی تأثیر مثبت زیادی بر رشد اقتصادی دارد؛ بنابراین، انگیزه گنجاندن چنین سیاست‌هایی در آینده اتحادیه اروپا و استراتژی‌های ملی روزبه روز بیشتر می‌شود.

-
1. Rahman
 2. ARDL
 3. Soava
 4. FMOLS

نورانی و همکاران (۱۴۰۱) به بررسی تأثیر مصرف انواع انرژی‌های تجدیدپذیر و تجدیدناپذیر بر رفاه اقتصادی در ایران پرداختند. آن‌ها از داده‌های سری زمانی طی دوره ۱۳۹۷-۱۳۶۰ و تکنیک خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی استفاده کردند. نتایج این تحقیق نشان داد که سرعت تعديل مدل تصحیح خطأ در جهت تعادل بلندمدت حدود ۶۱ درصد است. رابطه رفاه اقتصادی با متغیرهای سرانه تولید ناخالص داخلی، نیروی کار، شاخص جینی و انواع منابع انرژی‌های تجدیدپذیر و تجدیدناپذیر (خورشید، باد، آب، زمین گرمایی، نفت، گاز و بتزین) چه در کوتاه‌مدت و چه بلندمدت، مستقیم است. به طوری که در بلندمدت میزان افزایش یک‌درصدی در متغیر سرانه تولید ناخالص داخلی با فرض ثبات سایر شرایط، منجر به افزایش ۸۵/۰ درصدی در رفاه اقتصادی، افزایش یک‌درصدی در نیروی کار منجر به افزایش ۶۶/۰ درصدی در رفاه اقتصادی، افزایش یک‌درصدی در توزیع عادلانه درآمد منجر به افزایش ۴۵/۰ درصدی در رفاه اقتصادی، افزایش یک‌درصدی در متغیرهای انرژی خورشیدی، بادی، آبی و زمین گرمایی به ترتیب منجر به افزایش ۶۱/۰، ۵۶/۰، ۳۶/۰ و ۳۱/۰ درصدی در رفاه اقتصادی می‌شود. همچنین افزایش یک‌درصدی متغیرهای نفت، گاز و بتزین با شرط ثابت بودن سایر شرایط، به ترتیب منجر به افزایش ۷۲/۰، ۷۶/۰ و ۳۴/۰ درصدی در رفاه اقتصادی می‌گردد.

بهبودی و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی روابط متقابل بین انرژی‌های تجدیدپذیر - انتشار دی‌اکسیدکربن - توسعه پایدار در ایران و مقایسه آن با انرژی‌های تجدیدناپذیر پرداختند. آن‌ها در پژوهش خود از داده‌های سری زمانی دوره ۱۹۸۰-۲۰۱۳ و تکنیک خود رگرسیون برداری بیزین استفاده کردند. نتایج این مطالعه بیانگر این است که تأثیر ایجاد تکانه مثبت در مصرف انرژی‌های تجدیدپذیر و تجدیدناپذیر بر توسعه پایدار مثبت است. همچنین، شوک مثبت واردہ به مصرف انرژی تجدیدپذیر و تجدیدناپذیر موجب افزایش انتشار دی‌اکسیدکربن (CO_2) به میزان متفاوت می‌شود. به علاوه، اثر رشد شاخص توسعه پایدار بر مصرف انرژی تجدیدپذیر مثبت و بر مصرف انرژی تجدیدناپذیر منفی است.

ایلخانی و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی تأثیر مصرف انرژی‌های تجدیدپذیر و تجدیدناپذیر بر رفاه اقتصادی کشورهای منتخب توسعه یافته عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه در دوره زمانی ۲۰۰۲-۲۰۱۲ و با استفاده از تکنیک حداقل مربعات معمولی مورد بررسی قرار دادند. یافته‌ها نشان داد که تأثیر مثبت و معنی‌داری میان مصرف انرژی تجدیدپذیر و رفاه اقتصادی کشورهای موردمطالعه وجود دارد. در حالی که تأثیر مصرف انرژی تجدیدناپذیر بر رفاه اقتصادی منفی است.

۳. روش پژوهش

۳-۱. رگرسیون کوانتاپل

رگرسیون کوانتاپل بر اساس یکتابع زیان متقارن و نامتقارن است و مشابه برآورد پارامترها در رگرسیون حداقل مربعات محاسبه می‌شود. این مدل که توسط کونکر و باست^۱ در سال ۱۹۷۸ معرفی گردید به تدریج به روش جامعی برای تجزیه و تحلیل آماری مدل‌های خطی و غیرخطی متغیر پاسخ، در زمینه‌های مختلف تبدیل گردید. انگیزه اصلی به کارگیری رگرسیون چندک این است که با نگاهی دقیق و جامع در ارزیابی متغیر پاسخ، مدلی ارائه شود تا امکان دلالت متغیرهای مستقل نه تنها در مرکز ثقل داده‌ها، بلکه در تمام قسمت‌های توزیع به ویژه در دنباله‌های ابتدایی و انتهایی فراهم گردد، بدون این‌که با محدودیت مفروضات رگرسیون معمولی، واریانس ناهمسانی و حضور تأثیرگذار داده‌های دورافتاده در برآورد ضرایب روبه رو شویم. در رگرسیون چندک برخلاف رگرسیون معمولی از حداقل نمودن مجموع قدر مطلق باقی‌مانده‌های موزون برای برآورد پارامتر الگو استفاده می‌شود که به آن روش حداقل قدر مطلق انحرافات^۲ یا LAD گفته می‌شود (برادران خانیان و همکاران، ۱۳۹۶ به نقل از کونکر و باست، ۱۹۷۸).

روش رگرسیونی پانل کوانتاپل به نسبت روش حداقل مربعات معمولی دارای مزیت‌هایی است که می‌توان موارد زیر را ذکر کرد:

1. Koenker & Bassett
2. Least Absolute Deviations

۱. این روش به داده‌های پرت حساسیت کمتری دارد؛ ۲. تخمین‌ها نسبت به نرمال نبودن قوی و مستحکم هستند؛ ۳. رگرسیون کوانتاپل به نسبت حداقل مربعات معمولی، در حضور ناهمسانی واریانس قوی عمل می‌کند (اعظمی و رضایی، ۱۳۹۶).

۲-۳. تصریح مدل

در پژوهش حاضر، با توجه به تابع رفاه آمارتیاسن که تابعی از رشد و نابرابری توزیع درآمد است و همچنین مطالعات گذشته که در ادبیات موضوع تشریح شد، مدل زیر در نظر گرفته شده است:

$$Legatum_t = \beta_0 + \beta_{1t}E_1 + \beta_{2t}E_2 + \beta_{3t}L + \beta_{4t}\text{Capital} + \beta_{5t}\text{CO2} + \beta_{6t}\text{EPI} \quad (3)$$

در معادله (۳) شاخص Legatum به عنوان متغیر وابسته مدل، بیانگر رفاه اقتصادی کشورهای موردمطالعه است. مؤسسه لگاتوم، از سال ۲۰۰۷ میلادی تاکنون، برای ارزیابی و مقایسه میزان رفاه کشورها، با تنظیم شاخص ترکیبی رفاه که بر اساس فاکتورهای گوناگونی نظری ثروت، رشد اقتصادی و کیفیت زندگی تنظیم می‌شود، سالانه در سطحی جهانی به رتبه‌بندی ۱۴۹ کشور (در برگیرنده ۹۶ درصد از جمعیت کره زمین) می‌پردازد (لگاتوم، ۲۰۲۰).

E1: یکی از مهم‌ترین متغیرهای مدل است. این متغیر مصرف انرژی تجدیدپذیر را بر حسب کیلووات ساعت نشان می‌دهد. در این پژوهش مصرف انرژی‌های تجدیدپذیر به صورت سرانه استفاده شده است.^۱

E2: مصرف انرژی‌های تجدیدناپذیر شامل مصرف نفت، گاز و زغال‌سنگ است. در این مطالعه مصرف انرژی‌های تجدیدناپذیر سرانه (مصرف انرژی تجدیدناپذیر تقسیم بر جمعیت) بر حسب کیلووات ساعت است.^۲

L: نرخ اشتغال که بیانگر نسبت تعداد افراد شاغل یک جامعه (دارای سن بیشتر از پانزده سال) به جمعیت است.^۱

۱. داده‌های این متغیر از پایگاه داده <https://ourworldindata.org> مستخرج شده است.

۲. داده‌های این متغیر از پایگاه داده <https://ourworldindata.org> مستخرج شده است.

Capital: تشکیل سرمایه ثابت ناخالص از مجموع سرمایه ثابت ناخالص و تغییر در موجودی انبار حاصل می‌شود. در این مطالعه این متغیر به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی مورداستفاده قرار می‌گیرد.^۲

CO₂: آلایندگی‌های دی‌اکسید کربن (برحسب کیلو تن) به آلایندگی‌هایی گفته می‌شود که از سوزاندن سوخت‌های فسیلی و تولید سیمان ناشی می‌شوند. این آلایندگی‌ها، شامل دی‌اکسید کربن تولید شده در هنگام مصرف سوخت جامد، مایع و گاز است.^۳

EPI: شاخص عملکرد زیست‌محیطی، روشی برای رتبه‌بندی عملکرد دولت‌های جهان از نظر اقدامات آن‌ها برای حفظ و اصلاح پایدار اکوسیستم‌های کشورشان است. شاخص عملکردی زیست‌محیطی باهدف کاهش فشار ناشی از محیط‌زیست بر سلامتی انسان‌ها و مدیریت صحیح منابع طبیعی و بهبود وضعیت زیست‌بوم‌ها تأکید دارد. بدین منظور شاخص عملکرد محیط‌زیست توسط ۱۶ شاخص و در ۶ زمینه، از جمله کیفیت آب، کیفیت هوای کیفیت منابع طبیعی مولد، تنوع زیستگاه‌ها و انرژی پایدار اندازه‌گیری می‌شود و هرساله توسط دانشگاه ییل اعلام می‌شود (دانشگاه ییل، ۲۰۰۸).^۴

-
۱. داده‌های این متغیر از پایگاهداده <https://data.worldbank.org> مستخرج شده است.
 ۲. داده‌های این متغیر از پایگاهداده <https://data.worldbank.org> مستخرج شده است.
 ۳. داده‌های این متغیر از پایگاهداده <https://data.worldbank.org> مستخرج شده است.

۴. نتایج

۴-۱. آمار توصیفی

در این بخش به بررسی آمار توصیفی متغیرهای مدل پرداخته شده است و سپس نتایج آزمون جارک - برا در برآورد مدل به روش حداقل مربعات معمولی موربدیحث قرار گرفته است. بنا بر فروض کلاسیک، نرمال بودن جملات خطأ در برآورد مدل به روش حداقل مربعات امری ضروری است؛ اما در رگرسیون کوانتاپیل الزامی بر نرمال بودن توزیع جملات خطأ وجود ندارد و تخمین‌ها نسبت به نرمال نبودن توزیع مستحکم هستند؛ بنابراین در این پژوهش ابتدا آزمون نرمال بودن جارک - برا را انجام داده سپس به آزمون مانایی و تخمین مدل پرداخته می‌شود.

جدول ۱. نتایج حاصل از آزمون جارک - برا

متغیر	نماد	میانگین	میانه	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	Prob آزمون جارک - برا	نتیجه
شاخص رفاه لگاتوم	Legatum	۱۹۸/۷۱	۱۹۷/۷۴	۳۶/۵۹	.۰/۲۲	۲/۴۷	۰/۰۷	توزيع نرمال
صرف انرژی‌های تجدیدپذیر	E1	۰/۵۴	۰/۳۶	۰/۶۷	۱/۹۰	۶/۲۷	۰/۰۰	توزيع غیرنرمال
صرف انرژی‌های تجدیدناپذیر	E2	۴۹۰۹۴/۰۱	۲۷۱۶۴/۷۲	۵۵۵۳۴/۵۵	۱/۳۴	۳/۷۹	۰/۰۰	توزيع غیرنرمال
تشکیل سرمایه ناالخلص	Capital	۲۷/۷۹	۲۷/۱۹	۷/۷۳	۰/۳۸	۲/۹۵	۰/۰۴	توزيع غیرنرمال
آلایندگی‌های CO2	CO2	۹/۱۳	۶/۱۸	۹/۷۵	۱/۷۲	۵/۹۰	۰/۰۰	توزيع غیرنرمال
نرخ اشتغال	L	۰/۴۷	۰/۴۷	۰/۱۲	۰/۳۲	۲/۵۴	۰/۰۳	توزيع غیرنرمال
شاخص عملکرد محیط‌زیست	EPI	۱۵۰/۹۵	۱۳۷/۷۱	۶۰/۵۸	۰/۷۶	۲/۸۲	۰/۰۰	توزيع غیرنرمال

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۲. نتایج حاصل از آزمون جارک - برا جملات خطأ در برآورد با مدل OLS

نتیجه	آزمون Prob جارک - برا	نماد	متغیر
توزیع غیرنرمال	۰/۰۰	Standardized Residuals	جملات خطأ

مأخذ: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج، طبق آزمون جارک - برا، توزیع همه متغیرها به جز متغیر وابسته (رفاه لگاتوم) در سطح پنج درصد غیرنرمال است؛ زیرا مقدار ارزش احتمال این متغیر کمتر از ۰/۰۵ است و فرضیه H_0 مبنی بر نرمال بودن توزیع متغیر رد می‌شود. از طرفی مطابق با نتایج جدول (۲)، توزیع جملات خطأ در برآورد به روش حداقل مربعات معمولی، نرمال نیست. بنابراین امکان تخمین مدل به روش OLS وجود ندارد، لذا استفاده از رگرسیون کوانتاپل در برآورد مدل در این پژوهش موضوعیت پیدا می‌کند، زیرا رگرسیون کوانتاپل برخلاف رگرسیون‌های معمولی امکان تخمین مدل را نه تنها در مرکز ثقل داده‌ها، بلکه در تمام قسمت‌های توزیع فراهم می‌کند و امکان برآورد دقیق‌تر، به نسبت رگرسیون‌های معمولی فراهم می‌شود.

۲-۴. آزمون مانایی

به منظور جلوگیری از رگرسیون کاذب انجام آزمون مانایی امری ضروری و الزامی است. در صورتی که متغیرها نامانا باشند ضرایب غیر قابل اعتبار و ضریب تعیین بالا به دست می‌آید. اگرچه ممکن است بین متغیر وابسته و مستقل هیچ رابطه منطقی برقرار نباشد، اما انجام آزمون مانایی جهت جلوگیری از رگرسیون کاذب ضروری است؛ چراکه ممکن است منجر به استبطاط اشتباه محقق امری ضروری است (افلاطونی، ۱۳۹۷). به منظور آزمون مانایی متغیرها در داده‌های پانل، آزمون‌های مختلفی همچون لوین، لین و چو، ایم، پسران و شین و... وجود دارد که فرضیه صفر در این آزمون‌ها به معنای وجود ریشه واحد و مبنی بر نامانایی متغیر است.

جدول ۳. نتایج آزمون ریشه واحد لوبن لین چو

با عرض از مبدأ و روند			با عرض از مبدأ		
نتیجه	احتمال	آماره آزمون	احتمال	آماره آزمون	متغیر
I (0)	۰/۰۴	-۱/۷۳	۰/۴۰	-۰/۲۴	Legatum
I (0)	۰/۰۱	-۲/۳۱	۱/۰۰	۴/۶۵	E1
I (0)	۰/۰۰	-۵/۷۳	۰/۰۴	-۱/۶۶	E2
I (0)	۰/۰۰	-۷/۰۰	۰/۰۰	-۳/۹۵	Capital
I (0)	۰/۰۰	-۶/۵۷	۰/۰۰	-۲/۷۹	CO2
I (0)	۰/۱۳	-۱/۱۱	۰/۰۰	-۴/۶۴	L
I (0)	۰/۰۰	-۴/۹۶	۰/۰۰	-۵/۸۳	EPI

مأخذ: یافته‌های پژوهش

در جدول (۳)، بررسی آزمون‌ها از طریق معنی‌داری بر اساس احتمال در سطح پنج درصد تعیین می‌گردد. با توجه به اینکه فرضیه H_0 آزمون نشان‌دهنده وجود ریشه واحد برای هر متغیر است، چنانچه احتمال محاسبه شده کمتر از پنج درصد باشد، فرضیه وجود ریشه واحد برای آن متغیر رد می‌شود. مطابق جدول (۳)، همه متغیرها در سطح پنج درصد و با فرض وجود عرض از مبدأ و بدون روند مانا هستند به جز متغیر شاخص رفاه لگاتوم و مصرف انرژی تجدیدپذیر که در سطح پنج درصد و با فرض وجود عرض از مبدأ و بدون روند نامانا می‌باشند. همان‌طور که پیداست متغیرهای شاخص رفاه لگاتوم و مصرف انرژی تجدیدپذیر دارای روند هستند که بعد از روند زدایی مانا شدند. با این وجود، به منظور اطمینان از نتایج تخمین مدل و جلوگیری از رگرسیون جعلی، آزمون همانباشتگی کاوش استفاده شده است. نتایج مربوط به آزمون همانباشتگی در جدول (۴) گزارش شده است.

جدول ۴. نتایج آزمون همانباشتگی کاوش

ADF	t-Statistics	Prob	Lag
	-۲/۱۳	۰/۰۱	۲

مأخذ: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در جدول (۴) مشاهده می‌شود، بنا بر نتایج آزمون همانباشتگی کائو، آماره ADF در سطح یک در صد معنادار است؛ لذا متغیرها با هم رابطه بلندمدت دارند.

جدول ۵. نتایج حاصل از برآورد مدل

Pseudo R-squared	C	CO2	Capital	L	EPI	E2	E1	متغیرها
۰/۶۲	۵۵/۴۰ *** (۹/۰۵)	-۰/۷۰ (-۰/۶۹)	۰/۴۲ *** (۳/۱۸)	۱۳۲/۹۱ *** (۱۴/۳۵)	۰/۳۳ *** (۹/۸۴)	۰/۰۰۰۱ (۰/۷۷)	۲/۱۵ *** (۴/۵۹)	Q-reg (۱)
۰/۵۹	۵۳/۳۳ *** (۷/۹۱)	-۱/۳۲ *** (-۶/۳۲)	۰/۷۲ *** (۴/۱۲)	۱۱۴/۳۰ *** (۹/۴۱)	۰/۳۷ *** (۲۰/۸۵)	۰/۰۰۰۲ *** (۸/۹۷)	۲/۰۵ *** (۵/۲۴)	Q-reg (۲)
۰/۵۵	۶۶/۲۷ *** (۹/۴۱)	-۱/۱۷ *** (-۶/۹۲)	۰/۸۲ *** (۳/۹۳)	۹۱/۵۲ *** (۵/۴۴)	۰/۳۵ *** (۲۰/۸۷)	۰/۰۰۰۳ *** (۱۰/۱۲)	۱/۸۵ *** (۴/۹۹)	Q-reg (۳)
۰/۵۳	۷۸/۴۳ *** (۸/۱۳)	-۱/۰۵ *** (-۵/۷۸)	۰/۷۶ *** (۳/۳۴)	۷۴/۷۹ *** (۵/۰۲)	۰/۳۴ *** (۱۹/۱۳)	۰/۰۰۰۳ *** (۱۱/۲۴)	۱/۵۷ *** (۳/۷۳)	Q-reg (۴)
۰/۵۲	۹۳/۰۴ *** (۷/۹۴)	-۰/۷۴ *** (-۲/۷۳)	۰/۷۸ *** (۳/۱۵)	۵۵/۴۵ *** (۴/۸۳)	۰/۳۷ *** (۱۷/۷۹)	۰/۰۰۰۳ *** (۱۲/۵۴)	۱/۵۷ *** (۳/۳۵)	Q-reg (۵)
۰/۵۱	۹۳/۹۸ *** (۷/۳۶)	-۰/۴۸ * (-۱/۸۷)	۰/۸۴ *** (۳/۸۸)	۵۱/۵۰ *** (۴/۴۴)	۰/۳۲ *** (۱۵/۹۵)	۰/۰۰۰۳ *** (۱۰/۹۳)	۱/۳۲ *** (۳/۱۹)	Q-reg (۶)
۰/۵۱	۱۲۰/۰۲ *** (۸/۰۶)	-۰/۷۵ ** (-۲/۵۰)	۰/۵۰ (۱/۵۷)	۴۴/۸۱ *** (۳/۱۴)	۰/۲۹ *** (۱۵/۳۰)	۰/۰۰۰۲ *** (۱۰/۲۹)	۱/۶۶ *** (۴/۴۲)	Q-reg (۷)

Pseudo R-squared	C	CO2	Capital	L	EPI	E2	E1	متغیرها
.۰/۴۹	۱۲۵/۹۲*** (۷/۵۷)	-۰/۵۲ (-۱/۰۷)	-۰/۰۸ (-۰/۱۸)	۸۸/۶۵** (۲/۳۹)	۰/۲۸*** (۷/۴۰)	۰/۰۰۰۱*** (۴/۵۶)	۱/۶۲*** (۳/۸۷)	Q-reg(۸)
.۰/۴۳	۱۴۸/۹۲*** (۱۲/۰۳)	-۱/۰۳*** (-۳/۲۹)	-۱/۲۱ (-۱/۵۴)	۱۶۲/۱۸** (۲/۳۹)	۰/۱۹*** (۳/۰۷)	۰/۰۰۰۱*** (۲/۷۴)	۱/۴۶*** (۳/۰۲)	Q-reg(۹)

مأخذ: یافته‌های پژوهش

موارد ستاره‌دار از جمله *** و ** و * به ترتیب معناداری در سطح یک درصد، پنج درصد و ده درصد را نشان می‌دهد.

بر اساس نتایج این پژوهش، تأثیر مصرف انرژی‌های تجدیدپذیر بر رفاه لگاتوم در تمامی چندک‌ها مثبت و ازلحاظ آماری در سطح پنج درصد معنادار است. این تأثیر در چندک‌های ابتدایی مقادیر مثبت بیشتری نسبت به چندک‌های انتهایی دارد؛ بنابراین اثر مثبت مصرف انرژی‌های تجدیدپذیر در کشورهایی که رفاه کمتری دارند به نسبت کشورهایی که رفاه بیشتری دارند بیشتر است. به طوری که اگر یک واحد مصرف انرژی‌های تجدیدپذیر افزایش یابد، با فرض ثبات سایر شرایط، شاخص رفاه لگاتوم بین ۱/۳۲ تا ۲/۱۵ واحد افزایش خواهد یافت.

تأثیر مصرف انرژی‌های تجدیدناپذیر بر رفاه لگاتوم در تمامی چندک‌ها مثبت و ازلحاظ آماری در چندک‌های دوم تا نهم در سطح پنج درصد معنادار است. این اثر در چندک‌های ابتدایی دارای ضریب بزرگ‌تری است و در چندک‌های انتهایی ضریب کمتری دارد؛ بنابراین اثر مثبت مصرف انرژی‌های تجدیدناپذیر در کشورهایی با رفاه نسبتاً پایین بیشتر از کشورهایی با رفاه بالاست. به طوری که اگر یک واحد مصرف انرژی‌های تجدیدناپذیر افزایش یابد، با فرض ثبات سایر شرایط، شاخص رفاه لگاتوم بین ۰/۰۰۰۳۲ تا ۰/۰۰۰۱۹ واحد افزایش خواهد یافت.

بر اساس نتایج پژوهش حاضر، تأثیر شاخص عملکرد محیط‌زیست بر رفاه لگاتوم در تمامی چندک‌ها مثبت و ازلحاظ آماری در سطح پنج درصد معنادار است. این تأثیر در چندک‌های ابتدایی مقادیر مثبت بیشتری نسبت به چندک‌های انتهایی دارد؛ بنابراین اثر مثبت شاخص عملکرد

محیط‌زیست در کشورهایی که رفاه کمتری دارند به نسبت کشورهایی که رفاه بیشتری دارند بیشتر است. به طوری که اگر یک واحد شاخص عملکرد محیط‌زیست بهبود یابد، با فرض ثبات سایر شرایط، شاخص رفاه لگاتوم بین ۰/۱۹ تا ۰/۳۷ واحد افزایش خواهد یافت.

بر اساس استدلال مشابه، اثر تشکیل سرمایه ناخالص بر رفاه لگاتوم در چند کهای اول تا ششم مثبت و ازلحاظ آماری در سطح پنج درصد معنادار است به طوری که اگر یک واحد تشکیل سرمایه ناخالص افزایش یابد آنگاه با فرض ثبات سایر شرایط، شاخص رفاه لگاتوم می‌تواند بین ۰/۸۴ تا ۰/۸۴ افزایش یابد.

بر اساس نتایج پژوهش حاضر، تأثیر نرخ اشتغال بر رفاه لگاتوم در تمامی چند کهای مثبت و ازلحاظ آماری در سطح پنج درصد معنادار است. به طوری که اگر یک واحد نرخ اشتغال افزایش یابد، آنگاه با فرض ثبات سایر شرایط، شاخص رفاه لگاتوم بین ۰/۱۸ تا ۰/۴۴ واحد افزایش خواهد یافت.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، اثر آلایندگی‌های CO₂ بر رفاه لگاتوم در تمامی چند کهای منفی و ازلحاظ آماری در چند کهای دوم، سوم، چهارم، پنجم، هفتم و نهم در سطح پنج درصد و در چند ک ششم در سطح ده درصد معنادار است. به طوری که این اثر در چند کهای ابتدایی اثر منفی بزرگ‌تری را بر رفاه تحمیل می‌کند؛ لذا اثر آلایندگی‌های CO₂ بر رفاه کشورهای در حال توسعه آسیایی کم‌بخوردار از رفاه بیشتر است. به طوری که با فرض ثبات سایر شرایط، اگر میزان آلایندگی‌های CO₂ یک واحد افزایش یابد آنگاه رفاه بین ۰/۴۸ تا ۰/۳۲ واحد کاهش خواهد یافت.

۵. نتیجه‌گیری

در این تحقیق تلاش شد با استفاده از رویکرد پانل کوانتایل اثرات انرژی‌های تجدیدپذیر و تجدیدناپذیر بر رفاه اجتماعی کشورهای آسیایی در حال توسعه مورد بررسی قرار گیرد. بر اساس نتایج پژوهش حاضر، اثر مصرف انرژی تجدیدپذیر بر رفاه کشورهای در حال توسعه آسیایی مثبت و معنادار است. این نتیجه توسط مطالعات کوماری و همکاران (۲۰۲۱)، عمری و بلاد (۲۰۲۱)،

اینگلیسی - لوتز (۲۰۱۶)، نورانی و همکاران (۱۴۰۱) و ایلخانی و همکاران (۱۳۹۵) تأیید می‌شود. همچنین مطابق با نتایج پژوهش حاضر، اثر مصرف انرژی‌های تجدیدناپذیر بر رفاه کشورهای مورد مطالعه مثبت و معنادار است. این نتیجه توسط مطالعات اولوی (۲۰۲۰)، نورانی و همکاران (۱۴۰۱) و گانی (۲۰۱۹) تأیید می‌شود. با توجه به وجود رابطه بلندمدت بین مصرف انرژی تجدیدپذیر، مصرف انرژی تجدیدناپذیر و رفاه اقتصادی، برای دستیابی به سطح بالای رشد اقتصادی و رفاه، افزایش مصرف انواع انرژی اجتناب‌ناپذیر است با این وجود ذکر این نکته الزامی است که اثر مثبت مصرف انرژی‌های تجدیدپذیر به نسبت انرژی‌های تجدیدناپذیر بر رفاه، به میزان قابل توجهی بیشتر است. بعلاوه اثر مصرف انرژی‌های تجدیدپذیر و تجدیدناپذیر بر رفاه کشورهای در حال توسعه آسیایی که در دهک‌های ابتدایی قرار دارند و رفاه نسبی کمتری دارند به نسبت کشورهای در حال توسعه آسیایی مرتفه، به مرتب بیشتر است؛ بنابراین به سیاست‌گذاران کشورهای در حال توسعه آسیایی کم‌برخوردار از رفاه اکیداً توصیه می‌شود که قوانینی در جهت اصلاح سبد مصرف انرژی خود، از تجدیدناپذیر به تجدیدپذیر اخذ کنند. همچنین پیشنهاد می‌شود که سیاست‌گذاران کشورهای در حال توسعه کم‌برخوردار از رفاه، قوانینی را در جهت تسهیل در امر دریافت تسهیلات به منظور احداث مزارع خورشیدی و ایجاد مشوق‌های مالیاتی در صنایع استفاده کننده از انرژی‌های تجدیدپذیر، اخذ کنند و همچنین دولت از صنایع انرژی‌بر که بر پایه انرژی‌های فسیلی هستند، مالیات بر کربن اخذ نماید تا زمینه انتشار آلایندگی‌های زیست‌محیطی کاهش یابد.

بر اساس نتایج پژوهش حاضر، اثر شاخص عملکرد محیط‌زیست بر رفاه مثبت و معنادار است به طوری که این اثر در کشورهای در حال توسعه آسیایی کم‌برخوردار از رفاه به نسبت کشورهای در حال توسعه آسیایی مرتفه دارای مقدار بیشتری است. از طرفی، اثر انتشار آلایندگی‌های CO₂ بر رفاه اجتماعی کشورهای در حال توسعه آسیایی منفی است و میزان این اثر در کشورهای در حال توسعه آسیایی کم‌برخوردار از رفاه، بیشتر از سایر کشورهای موردمطالعه است. این نتایج توسط مطالعات فخری و همکاران (۲۰۱۵)، دکلرک و همکاران (۲۰۱۱) و لامین (۲۰۰۹) تأیید

شد؛ بنابراین با توجه به این که انتشار آلایندگی‌های CO₂ منجر به کاهش رفاه اجتماعی و بهبود عملکرد محیط‌زیست منجر به افزایش رفاه خصوصاً در کشورهای در حال توسعه آسیایی کم برخوردار از رفاه می‌شود. لذا پیشنهاد می‌شود تا سیاست‌گذاران کشورهای در حال توسعه آسیایی (خصوصاً کشورهای در حال توسعه آسیایی کم برخوردار از رفاه) نسبت به وضع قوانینی که مانع انتشار آلایندگی‌های CO₂ است مبادرت ورزند. از طرفی با توجه به این که مصرف انرژی‌های تجدیدناپذیر منجر به افزایش انتشار آلایندگی‌های CO₂ می‌گردد و بعلاوه مصرف انرژی‌های تجدیدناپذیر به نسبت مصرف انرژی‌های تجدیدپذیر رفاه کمتری ایجاد می‌نماید، لذا توصیه می‌گردد کشورهای در حال توسعه آسیایی، خصوصاً کشورهایی که از رفاه کمتری برخوردارند نسبت به تغییر سهم سبد مصرف انرژی خود، از تجدیدناپذیر به تجدیدپذیر اقدام نمایند. همچنین پیشنهاد می‌شود که سیاست‌گذاران کشورهای در حال توسعه آسیایی نسبت به اخذ قوانینی در جهت واردات تکنولوژی پاک و مدرنیزه شدن صنایع انرژی بر اهتمام ورزند.

مطابق با نتایج پژوهش، اثر نرخ اشتغال و تشکیل سرمایه بر رفاه کشورهای مورد مطالعه مثبت و معنادار است. این نتیجه توسط مطالعات ایلخانی و همکاران (۱۳۹۵)، لطفعلی‌پور و همکاران (۱۴۰۰)، قاسمی و همکاران (۱۳۹۷)، هوانگ و یانگ (۲۰۲۱)، گانسونر (۲۰۲۱)، بوی و همکاران (۲۰۱۹) و زلیتی (۲۰۲۲) نیز تأیید شد. با توجه به اینکه اثر نرخ اشتغال و تشکیل سرمایه ناچالص بر رفاه مثبت است؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران کشورهای در حال توسعه آسیایی (در همه دهک‌ها) نسبت به اتخاذ تصمیماتی همچون ایجاد مزارع پنل‌های خورشیدی و بادی اهتمام ورزند تا ضمن جلوگیری از آلایندگی‌های زیست‌محیطی، اشتغال افزایش یابد.

منابع

- اعظمی، سمیه و مهدی رضایی (۱۳۹۶). «تأثیر فساد بر انتشار دی‌اکسیدکربن در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه: رویکرد رگرسیون پانل کواناتایل». *مطالعات و سیاست‌های اقتصادی*، ۱(۱۳)، صص ۱۵۰-۱۲۳.
- افلاطونی، عباس (۱۳۹۷). *اقتصادنسنجی در پژوهش‌های مالی و حسابداری با نرم‌افزار Eviews*. تهران: ترمه.
- ایلخانی، فاطمه؛ سلیمانی، فروزنده؛ مصطفی، علی‌اکبر ناجی میدانی (۱۳۹۵). «تأثیر مصرف انرژی‌های تجدیدپذیر و تجدیدنی‌پذیر بر رفاه اقتصادی کشورهای منتخب. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد».
- برادران خانیان، زینب؛ اصغر پور، حسین؛ پناهی، حسین و سیدعلیرضا کازرونی (۱۳۹۶). «اثرات نامتقارن تورم بر کسری بودجه در ایران: رویکرد رگرسیون کواناتایل». *نشریه نظریه‌های کاربردی اقتصاد*، ۴(۳)، صص ۱۹۴-۱۶۹.
- بهبودی، داود؛ محمدزاده، پرویز و سها موسوی (۱۳۹۹). «بررسی روابط متقابل بین انرژی تجدیدپذیر - توسعه پایدار - انتشار دی‌اکسیدکربن در ایران: رویکرد خودرگرسیون برداری بیزین». *فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط‌زیست*، ۲(۲۲)، صص ۴۰۷-۳۹۵.
- حسابی، حدیث؛ خرسندی، مرتضی؛ عباسی‌نژاد، حسین و حسن دهقان شورکند (۱۳۹۷). «اثر عملکرد محیط‌زیست بر شادی: تحلیل بین کشوری». *فصلنامه علمی - پژوهشی مدل‌سازی اقتصادی*، ۱۲(۴۲)، صص ۷۷-۴۹.
- سرگل‌زایی، علی؛ لطفعلی‌پور، محمد رضا و نرگس صالح‌نیا (۱۴۰۱). «بررسی تأثیر رانت منابع طبیعی و حکمرانی خوب بر رفاه کشورهای در حال توسعه: پدیده نفرین رفاه و رویکرد رگرسیون کواناتایل». *فصلنامه علمی نظریه‌های کاربردی اقتصاد*، ۲(۹)، صص ۳۴-۱.
- doi: 10.22034/ecoij.2022.46618.2904
- شاه‌آبدی، ابوالفضل و هانیه ارغند (۱۳۹۷). «تأثیر پیچیدگی اقتصادی (ECI) بر رفاه اجتماعی در کشورهای منتخب در حال توسعه». *پژوهشنامه بازرگانی*، ۲۳(۸۹)، صص ۱۲۲-۸۹.

شیزور علی آبادی، زهرا و فرزانه صمدی (۱۳۹۸). «تأثیر مصرف انرژی‌های تجدیدپذیر بر رفاه اقتصادی». اولین کنفرانس بین‌المللی و چهارمین کنفرانس ملی صیانت از منابع طبیعی و محیط‌زیست، اردبیل، <https://civilica.com/doc/961425>

طاهری، سعید و مریم حسین‌زاده (۱۳۹۸). «تحلیل وضعیت رفاه در ایران بر اساس شاخص‌های استاندارد جهانی»، مجله‌ی بررسی‌های آمار رسمی ایران، (۳۰)، (۱)، صص ۲۸۱-۲۳۷.

فطروس، محمد‌حسن؛ آقازاده، اکبر و سودا جبرائیلی (۱۳۹۱). «بررسی میزان تأثیر مصرف انرژی‌های تجدیدپذیر و تجدیدناپذیر بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب در حال توسعه (شامل ایران)، دوره زمانی ۱۹۸۰ - ۲۰۰۹». مطالعات اقتصاد انرژی، (۳۲)، (۹)، صص ۵۱-۷۲.

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=169975>
فطروس، محمد‌حسن و اسماعیل ترکمنی (۱۳۹۳). «مصرف انرژی، مصرف الکتریسیته و توسعه انسانی در ایران»، فصلنامه مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، (۱۰)، (۳)، صص ۱۴۴-۱۲۷.

قاسمی، سحر؛ فرجی دیزجی، سجاد و لطفعلی عاقلی (۱۳۹۷). حکمرانی خوب، انرژی‌های تجدیدپذیر و رفاه اجتماعی (شواهدی از کشورهای متکی به درآمدهای نفتی). پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

موسوی‌شفائی، مسعود؛ نوراللهی، یونس؛ سلطانی نژاد، احمد؛ رضایان قیه‌باشی، احمد؛ یوسفی، حسین و علی‌حسین رضایان (۱۳۹۵). «امنیت انسانی و چالش‌های توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر در ایران با تأکید بر امنیت زیست محیطی». فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط‌زیست، شماره ۳، صص ۲۳۳-۲۱۷.

نورانی، اکرم؛ رحیمی، محمود و محمد میرباقری جم (۱۴۰۱). «بررسی تأثیر مصرف انواع انرژی‌های تجدیدپذیر و تجدیدناپذیر بر رفاه اقتصادی در ایران». دو فصلنامه انرژی‌های تجدیدپذیر و نو، (۹)، (۱)، صص ۶۸-۶۱.

واصلی خجاز، محمود؛ واصلی خجاز، حامد و امیر قادری پور (۱۳۹۲). تأثیر مصرف انرژی‌های پاک تجدیدپذیر بر رفاه اقتصادی در ایران. سومین همایش ملی سلامت، محیط‌زیست و توسعه پایدار، بندرعباس، <https://civilica.com/doc/250996>

- Acemoglu D., Johnson S. and J. Robinson** (2006). "Understanding prosperity and poverty: Geography, institutions and the reversal of fortune". *Understanding poverty*, pp. 19-36.
- Acheampong A.O.** (2018). "Economic growth, CO2 emissions and energy consumption: What causes what and where?", *Energy Economics*, No. 74, pp. 677-692. <https://doi.org/10.1016/j.eneco.2018.07.022>.
- Ahmad N., Du L., Lu J., Wang J., Li H.Z. and M.Z. Hashmi** (2017). "Modelling the CO2 emissions and economic growth in Croatia: Is there any environmental Kuznets curve?". *Energy*, No. 123, pp. 164-172. <https://doi.org/10.1016/j.energy.2016.12.106>
- Andersson F.N.G. and P. Karpestam** (2012). "The Australian carbon tax: a step in the right direction but not enough". *Carbon Management*, 3(3), pp. 293-302. <https://doi.org/10.4155/cmt.12.18>
- Aqeel A. and M.S. Butt** (2001). "The relationship between energy consumption and economic growth in Pakistan". *Asia-Pacific Development Journal*, 8(2), pp.101-110.
- Asif M., Bashir S. and S. Khan** (2021). "Impact of non-renewable and renewable energy consumption on economic growth: evidence from income and regional groups of countries". *Environmental Science and Pollution Research*, 28(29), pp.38764-38773. <https://doi.org/10.1007/s11356-021-13448-x>
- Berndt E.R. and D.O. Wood** (1975). "Technology, Prices, And The Derived Demand For Energy". *The Review Of Economics And Statistics*, 57(3), pp. 259-268.
- BP.** (2021). BP Statistical Review. Available online: <https://www.bp.com/en/global/corporate/energy-economics/statistical-review-of-world-energy.html>. (accessed 16 february 2022).
- Bui A.T., Nguyen C.V. and T.P. Pham** (2019). "Impact of foreign investment on household welfare: Evidence from Vietnam". *Journal of Asian Economics*, 64, 101130. <https://doi.org/10.1016/j.asieco.2019.07.003>
- Chen Y., Ebenstein A., Greenstone M. and H. Li** (2013). "Evidence on the impact of sustained exposure to air pollution on life expectancy from China's Huai River policy". *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 110(32), pp. 12936-12941.
- Dasanayaka C.H., Perera Y.S. and C. Abeykoon** (2022). "Investigating the effects of renewable energy utilization towards the economic growth of Sri Lanka: A structural equation modelling approach". *Cleaner Engineering and Technology*, No.6, 100377. <https://doi.org/10.1016/j.clet.2021.100377>
- Declercq C., Pascal M., Chanel O., Corso M., Ung A., Pascal L., Blanchard M., Larrieu S. and S. Medina** (2011). "Impact sanitaire de la pollution atmosphérique dans neuf villes françaises". *Résultats du projet Aphékom. Saint-Maurice: Institut de veille sanitaire*, No. 33.
- Druzhynina V., Likhonosova G. and G. Lutsenko** (2018). "Assessment welfare of the population in the synergetic system of socio-economic exclusion". *Маркетинг і менеджмент інновацій* (2), pp. 54-68.
- Edenhofer O.** (2015). *Climate change 2014: mitigation of climate change* (Vol. 3). Cambridge University Press.
- Edenhofer O., Pichs-Madruga R., Sokona Y., Seyboth K., Kadner S., Zwickel T., Eickemeier P., Hansen G., Schlömer S. and C. von Stechow** (2011). *Renewable energy*

- sources and climate change mitigation: Special report of the intergovernmental panel on climate change.* Cambridge University Press.
- Fakhri I., Hassen T. and T. Wassim** (2015). *Effects of CO₂ emissions on economic growth, urbanization and welfare: application to MENA countries.* MPRA Paper 65683, University Library of Munich, Germany.
- Fan Y., Zhang X. and L. Zhu** (2010). Estimating the Macroeconomic Costs of CO₂ Emission Reduction in China Based on Multi-objective Programming. *Advances in Climate Change Research*, 1(1), 27-33.
<https://doi.org/10.3724/SP.J.1248.2010.00027>
- Fang Y.** (2011). "Economic welfare impacts from renewable energy consumption: The China experience". *Renewable and sustainable energy Reviews*, 15(9), pp. 5120-5128.
- Ferguson R., Wilkinson W. and R. Hill** (2000). "Electricity Use and Economic Development". *Energy Policy*, 28(13), pp. 923-934.
- Gansonré S.** (2021). "Welfare impacts of non-farm employment in semi-arid areas: evidence from Burkina Faso". *Heliyon*, 7(10), e08080.
- Georgescu-Roegen N.** (1971). *The Entropy Law and the Economic Process.*, Cambridge, Mass, Harvard University Press, pp. XVIII + 450.
- Gholizadeh M. and M. Wolter** (2020). *Cost-beneficial Analysis of Utilizing a Combination of Renewable and Non-Renewable Energy Sources.* 55th International Universities Power Engineering Conference (UPEC), pp. 1-5, IEEE, Turin, Italy.
- Güney T.** (2019). "Renewable energy, non-renewable energy and sustainable development". *International Journal of Sustainable Development & World Ecology*, 26(5), pp. 389-397.
- Haseeb M., Abidin I., Adnan Hye Q. and N. Hartani** (2019). "The Impact of Renewable Energy on Economic Well-Being of Malaysia: Fresh Evidence from Auto Regressive Distributed Lag Bound Testing Approach". *International Journal of Energy Economics and Policy, Econjournals*, 9(1), pp. 269-275.
- Heidari H., Golbabaei F., Shamsipour A., Rahimi Forushani A. and A. Gaeini** (2015). "Outdoor occupational environments and heat stress in IRAN". *Journal of Environmental Health Science and Engineering*, 13(1), 48.
<https://doi.org/10.1186/s40201-015-0199-6>.
- Hossain S.** (2012). "An Econometric analysis for CO₂ emissions, energy consumption, economic growth, foreign trade and urbanization of Japan". *Low Carbon Economy*, 3(3A), 92-105. doi: 10.4236/lce.2012.323013.
- Huang P.C. and T.T. Yang** (2021). "The welfare effects of extending unemployment benefits: Evidence from re-employment and unemployment transfers". *Journal of Public Economics*, 202, 104500. <https://doi.org/10.1016/j.jpubeco.2021.104500>
- Inglezi-Lotz R.** (2016). "The impact of renewable energy consumption to economic growth: A panel data application". *Energy Economics*, No. 53, pp. 58-63.
<https://doi.org/10.1016/j.eneco.2015.01.003>
- IRENA.** (2015). *Renewable Energy and Jobs: Annual Review 2015.*
- IRENA.** (2022). Energy Profile.
https://www.irena.org/IRENADocuments/Statistical_Profiles/ (accessed 16 february 2022)

- Ivanovski K., Hailemariam A. and R. Smyth** (2021). "The effect of renewable and non-renewable energy consumption on economic growth: Non-parametric evidence". *Journal of Cleaner Production*, 286, 124956. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2020.124956>
- Kumari N., Kumar P. and N.C. Sahu** (2021). "Do energy consumption and environmental quality enhance subjective wellbeing in G20 countries?", *Environmental Science and Pollution Research*, 28(42), pp.60246-60267. <https://doi.org/10.1007/s11356-021-14965-5>
- Lamb W.F., Steinberger J.K., Bows-Larkin A., Peters G.P., Roberts J.T. and F.R. Wood** (2014). "Transitions in pathways of human development and carbon emissions". *Environmental Research Letters*, 9(1), 014011. <https://doi.org/10.1088/1748-9326/9/1/014011>
- Lambin E.** (2009). *An ecology of happiness*. University of Chicago Press.
- Meadows D.H., Meadows D.L., Randers J. and W. Behrens** (1972). *The limits to growth*. Universe Books, New York.
- Nain M.Z., Ahmad W. and B. Kamaiah** (2017). "Economic growth, energy consumption and CO₂ emissions in India: a disaggregated causal analysis". *International Journal of Sustainable Energy*, 36(8), pp. 807-824. <https://doi.org/10.1080/14786451.2015.1109512>
- Narayan P.K. and R. Smyth** (2008). "Energy consumption and real GDP in G7 countries: New evidence from panel cointegration with structural breaks". *Energy Economics*, 30(5), pp. 2331-2341. <https://doi.org/10.1016/j.eneco.2007.10.006>
- Olubiyi E.A.** (2020). "Energy consumption, carbon emission, and well-being in Africa". *The Review of Black Political Economy*, 47(3), pp. 295-318.
- Omri A. and F. Belaïd** (2021). "Does renewable energy modulate the negative effect of environmental issues on the socio-economic welfare?". *Journal of Environmental Management*, No. 278, 111483. <https://doi.org/10.1016/j.jenvman.2020.111483>
- Omri A., Nguyen D.K. and C. Rault** (2014). "Causal interactions between CO₂ emissions, FDI, and economic growth: Evidence from dynamic simultaneous-equation models". *Economic Modelling*, No. 42, pp. 382-389. <https://doi.org/10.1016/j.econmod.2014.07.026>
- Power Technology.** (2013). The 10 biggest hydroelectric power plants in the world. <https://www.power-technology.com/features/feature-the-10-biggest-hydroelectric-power-plants-in-the-world/> (accessed 16 february 2022).
- Rahman M.M.** (2017). "Do population density, economic growth, energy use and exports adversely affect environmental quality in Asian populous countries?". *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, No. 77, pp. 506-514. <https://doi.org/10.1016/j.rser.2017.04.041>.
- Rahman M.M. and K. Alam** (2022). "CO₂ Emissions in Asia-Pacific Region: Do Energy Use, Economic Growth, Financial Development, and International Trade Have Detrimental Effects?". *Sustainability*, 14(9), 5420.
- Rahman M.M. and E. Velayutham** (2020). "Renewable and non-renewable energy consumption-economic growth nexus: New evidence from South Asia". *Renewable Energy*, No. 147, pp. 399-408.

- Sadorsky P.** (2011). "Trade and energy consumption in the Middle East". *Energy Economics*, 33(5), pp. 739-749. <https://doi.org/10.1016/j.eneco.2010.12.012>
- Sadorsky P.** (2012). "Energy consumption, output and trade in South America". *Energy Economics*, 34(2), pp. 476-488. <https://doi.org/10.1016/j.eneco.2011.12.008>
- Shafiei S. and R.A. Salim** (2014). "Non-renewable and renewable energy consumption and CO₂ emissions in OECD countries: A comparative analysis". *Energy Policy*, No. 66, pp. 547-556.
- Shahbaz M., Hye Q. M. A., Tiwari A. K. and N.C. Leitão** (2013). "Economic growth, energy consumption, financial development, international trade and CO₂ emissions in Indonesia". *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, No. 25, pp. 109-121. <https://doi.org/10.1016/j.rser.2013.04.009>
- Shahbaz M., Raghutla C., Chittidi K.R., Jiao Z. and X.V. Vo** (2020). "The effect of renewable energy consumption on economic growth: Evidence from the renewable energy country attractive index". *Energy*, No. 207, 118162. <https://doi.org/10.1016/j.energy.2020.118162>
- Sharpe A.** (1999). *A Survey of Indicators of Economic and Social Well-Being*. Ottawa: Centre for the Study of Living Standard.
- Soava G., Mehedintu A., Sterpu M. and M. Raduteanu** (2018). "Impact of renewable energy consumption on economic growth: evidence from European Union countries". *Technological and Economic Development of Economy*, 24(3), pp. 914-932. <https://doi.org/10.3846/tede.2018.1426>.
- Stern D.I.** (1993). "Energy and Economic Growth in the USA: A Multivariate Approach". *Energy Economics*, 15(2), pp. 137-150.
- Taghvaee V., Khodaparast Shirazi J., Boutabba M.A. and A. Seifi Aloo** (2017). "Economic Growth and Renewable Energy in Iran". *Iranian Economic Review*, 21(4), pp. 789-808. <https://doi.org/10.22059/ier.2017.64081>
- The Legatum Prosperity Index.** (2020). *Annual Report 2020*. https://docs.prosperity.com/2916/0568/0539/The_Legatum_Prosperity_Index_2020.pdf
- UN.** (2018). Economic and Social Survey of Asia and the Pacific. ESCAP. 7 May 2018. Available online: <https://www.unescap.org/publications/economic-and-social-survey-asia-and-pacific-2018> (accessed 16 february 2022).
- UN.** (2020). World Economic Situation and Prospects 2020. Page 166. 1009 https://unctad.org/system/files/official-document/wesp2020_en.pdf
- UNDP.** (2007). *Human Development Report 2007/2008*. United Nations Development Programme (UNDP), New York. ISBN 978-0-230-54704-9.
- UNEP.** (2019). United Nations Environment Programme, <https://www.unenvironment.org>
- Wang S.S., Zhou, D.Q., Zhou P. and Q.W. Wang** (2011). CO₂ Emissions, Energy Consumption and Economic growth in China: A panel data analysis. *Energy Policy*, 39(9), pp. 4870-4875. <https://doi.org/10.1016/j.enpol.2011.06.032>
- Yale Center for Environmental Law & Policy Yale University.** (2008). *Environmental Performance Index*, <http://www.yale.edu/epi/>
- Zéité B.** (2022). "The welfare effects of FDI: A quantitative analysis". *Journal of Comparative Economics*, 50(1), pp. 293-320. <https://doi.org/10.1016/j.jce.2021.09.007>